

راز نیاز بشر به «نبی» و «نبوت»¹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ
اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَادِقَ آلِ مُحَمَّدٍ

رسول خدا «صلوات الله عليه وآله» وجه متعالی انسانیت انسان

1- قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ
رَحِيمٌ» (توبه/128) به این فراز در آیه توجه فرمایید که
رسول خدا «صلوات الله عليه وآله» را از جان انسان‌ها می‌داند.
آیا در این رابطه نباید با نظر به آن حضرت،
آینه‌ای از وجه متعالی خود را مد نظر قرار داد
تا از دوران بی‌معنا شدن انسان برای خودش رهایی
یابیم؟

برکات معرفت نفس یا حقیقت خود

2- می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ
أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ
جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده/ 105) اگر
متوجه حقیقت خود که همان نفس ناطقه انسان
می‌باشد؛ بشوید، آزاد از هر فضای گمراه‌کننده،
می‌توانید از هدایت الهی بهره‌مند شوید و تا رجوع
به خدا جلو روید. آیا مواجهه با چنین آیاتی
حکایت اصالت دین را برای بشر امروز روشن نمی‌کند
تا در فضای بسیار تاریک این دوران، از هر فریبی
آزاد شود؟

نزدیکی به جان رسول خدا «صلوات الله عليه وآله» یعنی نزدیکی به
نهایی‌ترین انسانیت

3- در رابطه با مناظره با مسیحیان نجران، پس
از آن‌که آنان حقانیت دین اسلام را قبول نکردند،
خداوند فرمود: «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ
وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ
فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/61) ملاحظه
می‌فرمایید که در آیه فوق، حضرت علی «علیه السلام» به
عنوان جان پیامبر خدا به شمار آمده‌اند. آیا این

1 - چگونه به «نبوت» و «نبی» بیندیشیم؟

حکایت از آن ندارد که هرکس به شریعت الهی وارد شود و نزدیکترین رابطه را با دین خدا برقرار کند، در واقع به جان رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» یعنی نهایی‌ترین انسان نزدیک شده تا راه برای هرچه نزدیکی به انسانیت خود از آن طریق مد نظر ما نیز باشد؟

بشر جدید و راز نیاز به «نبی» و «نبوت»

4- بشر جدید با به خود آمدن و رجوع به خود، متوجه نیازهای درونی خود شده است و اینکه خودش برای جوابگویی به آن نیازها کافی نیست و اینجاست که به معنای ضرورت «نبوت» و «نبی» پی می‌برد. زیرا در تجربه تاریخی پس از سالها ثابت شد لیبرال دموکراسی و روشنفکر غربی در ذهن‌های رمانتیک خود به دنبال بهشت توهمی هستند، به‌خصوص که رمانتیکها خیلی زود عاشق می‌شوند و پیرو آن سریعاً افسرده می‌گردند. وقتی عاشق می‌شوند سر از پا نمی‌شناسند اما وقتی سرخورده و افسرده می‌گردند، زمین و زمان را به هم می‌دوزند، در حالی که با نظر به واقعیت تاریخی و پرهیز از مسخ‌شدن و پرهیز از تحلیل‌های خطی و استعمارزده که روشنفکری ایرانی را در دام سیکل‌های سرخوشی و افسردگی انداخته، واقعیت آن است که رمانتیکها خود نیازمند داروی شفابخش واقع‌بینی و البته آرمانخواهی واقع‌بینانه هستند و این تنها از طریق دینداری و به‌خصوص آخرین دین ممکن است. این است راز نیاز بشر به «نبی» و «نبوت» در این زمانه.

نظام احسن و اصیلترین واقع‌بینی

5- راستی ما با خالق خود، نسبتی به معنای آن‌که او ربّ ما نیز هست پیدا کرده ایم؟ در حالی که چون به خود آییم متوجه می‌شویم از نظر انضباط و نظمی که در بدن و برای پرورش خود در این دنیا داریم، ریزترین نیازهای ما برآورده شده است. اینجاست که باید متوجه باشیم همان کسی که خالق ما است، ربّ ما نیز می‌باشد و پیرو ربوبیتش نیازهایی که ماورای فهم عقل و علم ما است را، از طریق «نبی»

و «نبوت» برآورده می‌کند. این است معنای نظر به جایگاه «نبی» و «نبوت».

6- آقای دکتر مصطفی ملکیان مدعی هستند در جهان جدید، برای انسان آگاه به علوم جدید، خصوصاً آگاه به علوم انسانی، تدین ممکن نیست! در حالی که اگر متوجه اصالت‌های انسان و معرفت نفس به معنای حقیقی آن بشوند، ملاحظه خواهند کرد انسان ابعادی از تعالی در خود دارد که محال است بدون دینداری بتواند جواب آن ابعاد متعالی و فوق مادی را بدهد.

7- آقای ملکیان مدعی می‌باشند که کارکرد دین، تمایز گذاری و «خودی» و «غیرخودی» کردن است! غافل از آن که اتفاقاً دین خدا نظر به انسانیت انسان‌ها دارد و در این راستا متذکر انسان‌ها می‌شود که: «انتم الفقرا الی الله» (15 / فاطر) به این معنا که ای انسان‌ها شما به خدا نیاز دارید تا از خودی و غیر خودی کردن انسان‌ها به انسانیت اصیل انسان‌ها پی ببرید. آیا امثال آقای ملکیان، تنها داعشی‌گری را نماد مسلمانان می‌دانند؟

8- اگر به گفته آقای ملکیان «بشریاً نابود خواهد شد یا معنوی می‌گردد.» آیا گوهر معنویت همان توجه به خدا و رعایت دستورات شریعت برای انس با گوهر معنویت، یعنی خدا نیست؟

9- آیا دین، جایگزین عقل و علم شده و یا دین در همین زمان به ساحتی دیگر نظر دارد ماورای آنچه علم و عقل در آن‌ها حاضرند؟ کافی است با این دید به قرآن رجوع شود تا معلوم گردد چه اندازه نیاز به اموری داریم که پرودگار بشر از طریق «نبی» و «نبوت» با ما در میان گذاشته است. آیا راه عبور از مشکلات امروزی که در متن فرهنگ مدرن پیش آمده است، جز با حضور در آخرین دین و در مواجهه با آن مشکلات فراهم شده است؟

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته